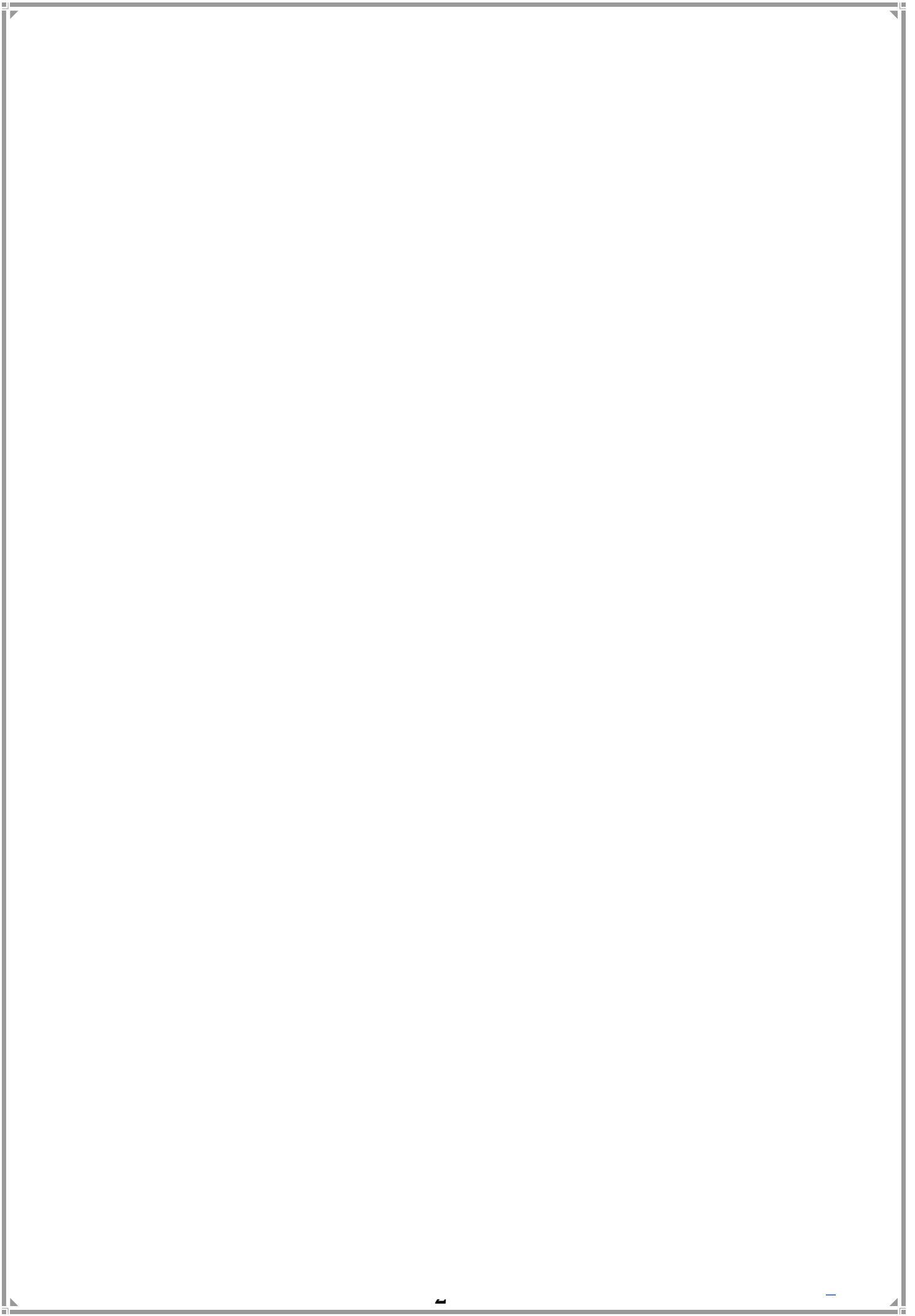


نشریه انجمن نجات

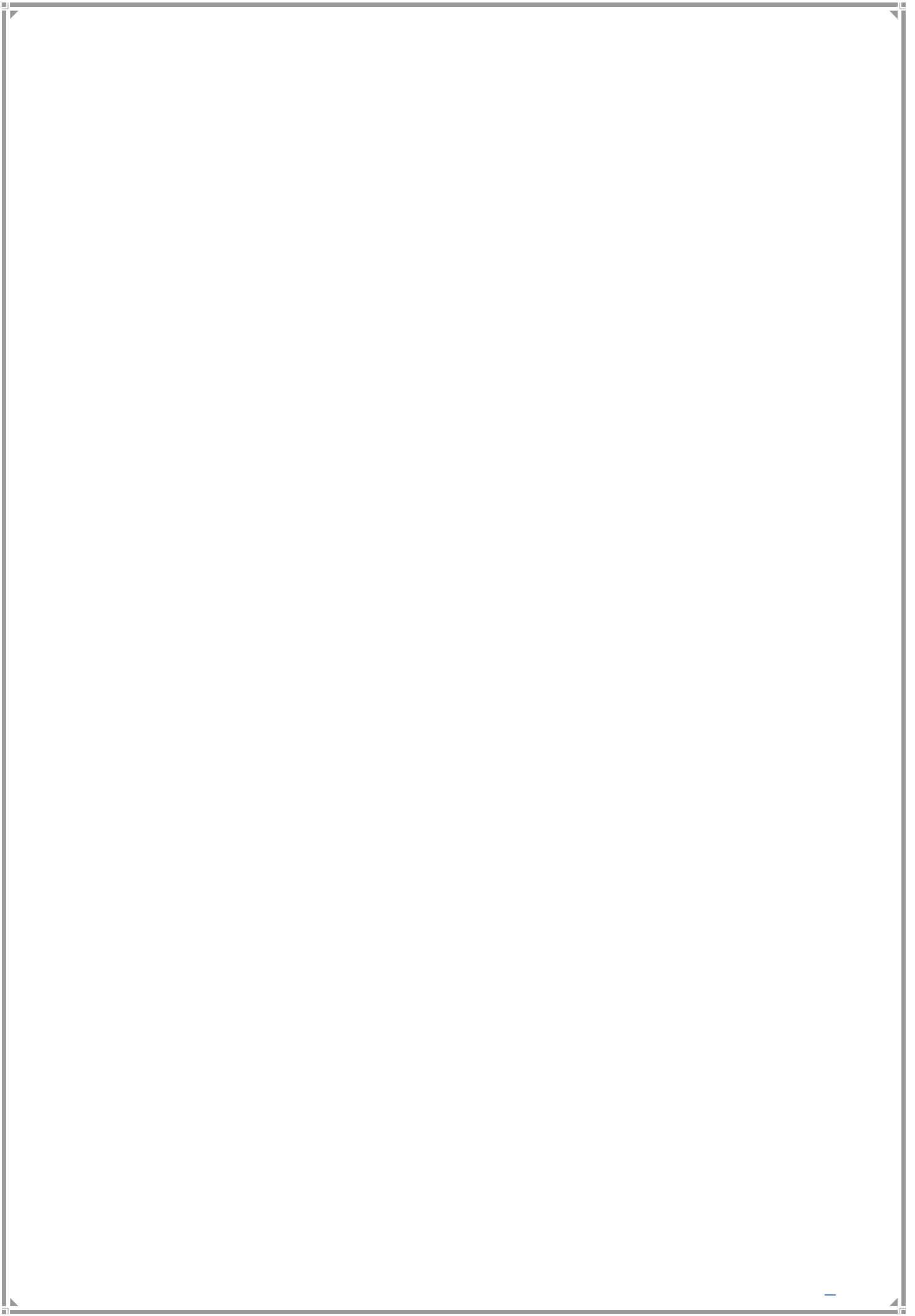
شماره - 62



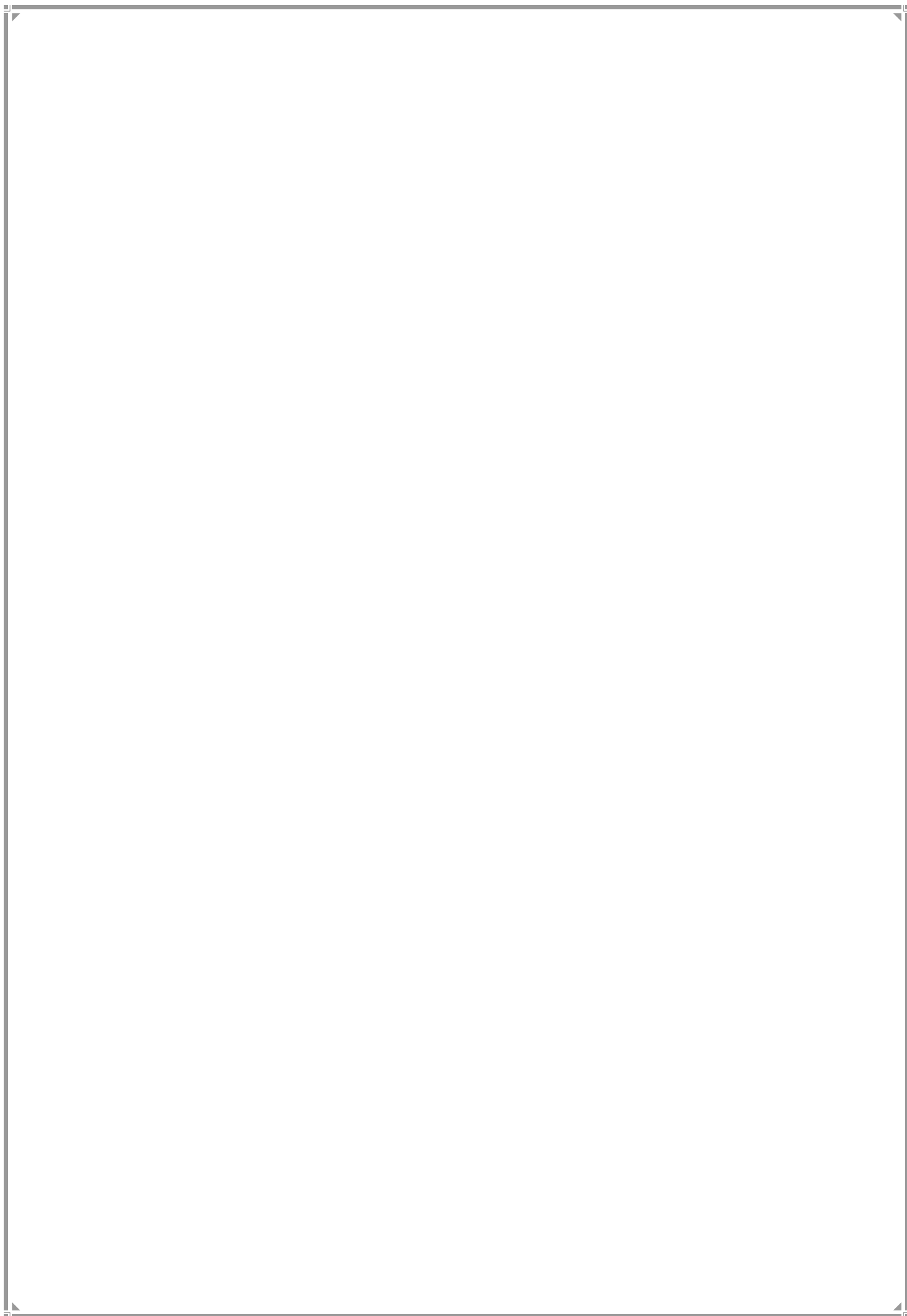
مهر - سال 94



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان	فهرست مطالب	صفحه
حضور انجمن زنان در جلسات حقوق بشر در ژنو		7
آکسیون دو پدر معترض در فرمانداری اورسورواز فرانسه		8
هشدار درمورد جدیدترین ترفند های اخاذی فرقه تروریستی رجوی		9
حمایت از تحصن خانواده های چشم انتظار مقابل درب قرارگاه لیبرتی		10
خانواده های گلستانی نگران زندانیان در بند فرقه رجوی		11
بازهم باطلاع خانواده های متحصن رسانده و از آنها کمک بخواهید		12
نامه شماری از خانواده های ساکنان لیبرتی به دبیرکل ملل متحد		13
نامه خانواده های استان مرکزی خطاب به شخص رجوی		15
نامه سر گشاده به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو		16
ملاقات هیأتی از کانون ایران قلم با مسئولین سفارت آلبانی در برلین		17
فرقه ی رجوی ، تعبیر وارونه ی رؤیای حنیف		18
نامه جمعی از اعضای جدانشدگان از مجاهدین به ملل متحد و صلیب سرخ در عراق		20
کارنامه فرقه رجوی		21
فرقه ی رجوی پرچمدار آل سعود		22
نسل انقلاب در اسارت ذهنی وعینی فرقه مخرب رجوی		24
باز هم دروغ های هزار بار نشخوار شده علیه جدا شده ها توسط رجوی ها		27
آزادی از لیبرتی و دیدار با مادر باعث بازگشت به وطن شد		28
جزئیات جلسه مخفی احمد شهید با رابط عربستان و مجاهدین در هتل رویال		29



حضور انجمن زنان در جلسات حقوق بشر در ژنو، ملاقات با نمایندگان و آکسیون اعتراضی در برابر ساختمان سازمان ملل محل برگزاری اجلاس سالانه حقوق بشر



زنان ایران، پنجشنبه 9 مهر 1394

طی روزهای برگزاری اجلاس سالانه حقوق بشر در ژنو مقر سازمان ملل اعضای انجمن زنان با حضور فعال در برابر سازمان ملل و ملاقات با نمایندگان مختلف توانستند بیش از پیش چهره فرقه گرای مریم رجوی و مزدور فراری مسعود رجوی و فرقه رجوی را افشا کنند. همچنین روز ۲۹ سپتامبر در روز پایانی حضور انجمن زنان در سوئیس انجمن زنان آکسیون اعتراضی برگزار کردند که هدف از آن افشاگری علیه فرقه رجوی و شناساندن ماهیت واقعی فرقه و افشای ترفندها و شعارهای آزادی و دموکراسی آنها بود همچنین موضوع کمک به رهایی و آزادی اسیران باقیمانده در پایگاههای آنها در عراق و سایر کشورها و بخصوص فرانسه مقر تروریست مریم رجوی مطرح شد.

موضوع بحث انگیز دیگر در این ملاقاتها یاقیگری فرقه رجوی و ندادن ملاقات به خانواده های اسیران و روسیاهی که برای رجوی باقی مانده است و باز هم طی ماههای گذشته در لیبرتی و بازگشت بی نتیجه خانواده ها و ملاقات نکردن بستگانشان و نقض اولیه ترین حقوق بشر در پایگاههای رجوی. این آکسیونها که هر روز ساعتها برگزار می شد مورد توجه شرکت کنندگان در جلسه های مجمع سازمان ملل و مردم شهر ژنو قرار گرفت. حضور اعضای از انجمن زنان در ژنو و فعالیتهای آنها همچون خاری در چشم مأموران لباس شخصی اعزامی رجوی بود، آنها که تحمل ندارند صدای مخالفی را بشنوند.

اعضای انجمن زنان در روزهای حضور در ژنو اقدام به پخش هزاران برشور بین شرکت کنندگان در اجلاس سازمان ملل و مردم و ... کردند و به افشاگری علیه فرقه رجوی پرداختند. مشروح این گزارش و فیلم بخشهایی از صحبتهای اعضای انجمن زنان متعاقبا برای علاقمندان در سایت همراه با عکسهای بیشتر در روزهای آینده منتشر خواهد شد.

آکسیون دو پدر معترض در فرمانداری اورسورواز فرانسه



کانون رهایی - چهارشنبه ۸ مهر ۱۳۹۴

بعد از ظهر دوشنبه ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵ آقایان مصطفی محمدی و قربانعلی حسین نژاد پدران سمیه محمدی و زینب حسین نژاد و خانم حوریه محمدی خواهر سمیه محمدی بعد از حضور در شهر اورسورواز محل اقامت مریم رجوی و فرقه اش ضمن تسلیم نامهٔ سپاسگزاری از خانم شهردار به علت استقبال از این دو خانواده در دیدار روز ۸ سپتامبر از آنان و گوشزد کردنشان به سران فرقهٔ رجوی مبنی بر حضور در محل شهرداری و پاسخ دادن به این خانواده ها که خواستار آزادی عزیزانشان از چنگ فرقهٔ رجوی هستند، با راهنمایی و اسکورت ژاندارمری محل به فرمانداری شهر اورسورواز و استانداری استان والدواز واقع در شهر پونتواز مرکز این استان و دفتر روزنامهٔ لاگازت روزنامهٔ محلی این استان مراجعه و با حمل پلاکاردهایی به زبان فرانسه دارای عکس فرزندانشان اقدام به پخش تراکت و اطلاعیه به زبان فرانسه با اجازهٔ رسمی مقامات محلی در میان مراجعین به محل فرمانداری و استانداری و روزنامهٔ محلی استان والدواز و عابرین سواره و پیادهٔ خیابانها و در مغازه ها و کافه های اطراف فرمانداری و استانداری نمودند که با استقبال شایان مردم روبرو شدند.

مقامات محلی و مردم در برخورد با خانواده های اسرای فرقهٔ رجوی شدیداً از وضعیت اسرا و خانواده ها و محرومیت آنان از دیدار همدیگر در نتیجهٔ ممانعت رهبری فرقه متأثر شده و ابراز تأسف می کردند و تأکید خانواده ها بر ضرورت اعمال فشار بر مریم رجوی که مقیم آن استان و شهرستان می باشد برای رفع ممنوعیت دیدار خانواده ها و آزاد گذاشتن اسرای لیبرتی برای تماس با دنیای بیرون بویژه تماس و دیدار با افراد خانواده های خودشان را مورد تأیید قرار می دادند.

خانواده های محمدی و حسین نژاد - پاریس

هشدار درمورد جدیدترین ترند های اخاذی فرقه تروریستی رجوی



مرکز خوزستان - سه شنبه ۷ مهر ۱۳۹۴

طی هفته های اخیر خانواده های اسیران دریند فرقه رجوی که عزیزانشان به کشور آلبانی منتقل شده اند ضمن تماس با دفترانجمن نجات خوزستان جدیدترین ترند اخاذی این فرقه روبه اضمحلال را افشا کردند. به گفته این خانواده ها سرکردگان مزدور فرقه رجوی در کشور آلبانی وابستگان آنها را تحت

فشار گذاشتند تا ضمن برقراری تماس با خانواده هاشان از آنها برای تامین هزینه های درمان بیماری ویا گرفتن مجوز پناهندگی خود در دیگر کشورهای اروپایی درخواست پول نمایند!

لازم به ذکر است که اخاذی سران فرقه از خانواده ها ومجبور کردن اعضا به تماس با خانواده هایشان در شرایطی صورت می گیرد که طی سالیان سرکردگان فرقه اعضا را با ترندهای وابستگی خانواده های آنها به وزارت اطلاعات ویا اینکه آنها مزدوران رژیم هستند!! از هرگونه ملاقات و تماس تلفنی با خانواده ودنیای بیرون از مناسبات فرقه محروم کرده اند، حال مشخص نیست چرا وقتی پای اخاذی وسرکیسه کردن خانواده های قربانیان در میان باشد این حربه رسوا وتاریخ مصرف گذشته رنگ می بازد .

به راستی که باید آگاهی شگفت انگیز وهوشیاری فوق العاده خانواده های اسیران دریند فرقه را ستود وقتی ازما اعضای انجمن می پرسند که چگونه است که سرکردگان این فرقه برای متینگ های بی خاصیت ونمایشی خود در کشورهای اروپایی با استخدام مهاجران خارجی جهت جلب حمایت قدرت های استعماری مبالغ هنگفتی هزینه می کنند ولی از تامین هزینه های درمان وگرفتن مجوز پناهندگی برای اعضای خود که در حقیقت قربانی همین فرقه تروریستی هستند عاجزند!

انجمن نجات ضمن ارائه توضیحات لازم جهت آگاهی بیشتر خانواده های قربانیان فرقه منحوس رجوی از آنها می خواهد که همانند گذشته نسبت به توطئه هایی از این قبیل سران فرقه هوشیار بوده وآن را در نطفه خفه سازند واجازه ندهند که سرکردگان فرقه خیانتکار رجوی با اخاذی مالی از آنها برای به بند کشیدن مجدد عزیزانشان در کشور آلبانی ودیگر کشورها اسارتگاه دیگری بسازند. انجمن نجات خوزستان همچنین ازمقامات مسئول در کشور آلبانی می خواهد که به سران فرقه تروریستی رجوی اجازه ندهند که آنها کمپ های پناهندگی موجود در کشورشان را به کمپ اشرفی دیگر در راستای پیشبرد اهداف تروریستی خود تبدیل کنند.

حمایت از تحصن خانواده های چشم انتظار مقابل درگاه لیبرتی



مرکز مازندران - شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۴

چند سالی بود که خانواده ها برای دیدار با فرزندانشان با کلی مشکلات مالی و جسمی به عراق سفر می کردند تا شاید بتوانند بعد از چندین سال دوری با آنها ملاقات کنند. وقتی خانواده ای به درب قلعه اشرف مراجعه می کرد به مثابه خاری در گلوئی رجوی فرو می رفت و در مقابل سران فرقه رجوی عناصر دست نشاندۀ خود را توجیه می کردند

که با خانواده ها برخورد تند کنند که دیگر خانواده ای جرات نکند به درب پادگان اشرف مراجعه نماید. با این وجود خانواده ها هر چه برخورد تندتر از جانب فرقه رجوی با آنها می شد تصمیم شان برای آزادی فرزندانشان مصمم تر می شد.

فرقه رجوی طی رفت و آمدهایی که خانواده ها به اشرف مراجعه می کردند انواع بر چسب های مزدوری و اطلاعاتی و ساندیس خور را به آنها می زدند و با قلاب سنگ توسط عناصر توجیه شده خود به سمت خانواده ها سنگ پرتاب می کرد در این رابطه چند نفر از خانواده ها زخمی شدند. حرف خانواده ها این بود که ما خانواده ها تا آخر ایستاده ایم و برای دیدار با فرزندانمان تمام این مشقتها و فحش و ناسزاهای زشت و رکیک فرقه رجوی و گرمای طاقت فرسای عراق و ... را تحمل خواهیم کرد. و واقعا همین شد خانواده ها کاری با فرقه رجوی کردند که ارکان رجوی در پادگان اشرف لرزید و در پیامهای کاست رجوی برای روحیه دادن به اعضای خود، می گفت که این ها خانواده شما نبوده و دشمنان شما هستند. سران فرقه رجوی تشنه خون خانواده ها بودند. تردد خانواده ها دور پادگان عنکبوتی اشرف باعث شده بود که اسیران ذهنی و فکری فرقه رجوی روحیه خود را از دست بدهند و اقدام به فرار از پادگان اشرف کنند و این برای فرقه رجوی یک شکست بود مادامی که خانواده ها در کنار پادگان اشرف بودند فرارها ادامه داشت و از کنترل سران فرقه خارج بود. در این رابطه بایستی به خانواده ها دست مریزاد گفت که سختی های زیادی در عراق متحمل شدند و در نهایت پادگان عنکبوتی اشرف به تعطیلی منجر شد و تا ابد به زباله دان تاریخ پیوست و بقیه اعضای فریب خورده این تشکیلات تروریستی به کمپ لیبرتی در بغداد منتقل شدند تا به صورت گروه گروه از آنجا به کشورهای اروپایی اعزام شوند.

اما این پایان کار نبود و خانواده ها هنوز مصمم برای بازگشت و جدایی فرزندانشان از فرقه رجوی و زندان ذهنی و فکری تشکیلاتشان هستند به همین منظور دومین سری از خانواده ها از استانهای یزد، خوزستان و خراسان رضوی جهت دیدار با خانواده شان و ملاقات حضوری جلوی درگاه لیبرتی حضور یافتند تا شاید بتوانند با تحمل تمامی سختی ها یک بار دیگر فرزندانشان را ببینند و آنها را در آغوش بگیرند.

انجمن نجات مرکز مازندران ضمن حمایت از این خانواده های دردمند آرزوی بازگشت همه اعضای ذهنی و فکری تشکیلات فرقه ایی رجوی را به دنیای آزاد و شروع زندگی جدید در کنار خانواده های شان را خواستار است.

خانواده های گلستانی نگران زندانیان در بند فرقه رجوی

مرکز گلستان - دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۴



به امید دیدن حتی چند لحظه برادرم به پشت فنسهای پادگان اشرف در عراق رفته بودم ولی دریغ از اینکه سران سازمان مجاهدین حتی اجازه دیدن سایه او را هم به من ندادند و بر عکس هر نوع فحش و بد و بیراه بود نثارمان نمودند که البته آنها با مغز کوچکشان فکر کردند ما می ترسیم و کنار می کشیم ، ولی سرکرده های جانی فرقه رجوی باید بدانند که ما خانواده ها همانند کوهی هستیم که تا رهایی تک تک

عزیزانمان از چنگال مسعود رجوی خائن میدان را ترک نمی کنیم و برای ریشه کن نمودن این غده سرطانی در هر زمان و در هر مکان آماده هستیم.

این فقط گوشه ای از درد دلهای برادر دل سوخته ای بود که بقول خودش برادرش آشور در سال 1366 اسیر نیروهای بعثی شده بود که بعد از مدتی شکنجه روحی و جسمی توسط جلالان صدام یزید ، نتوانست تحمل کند و گول دروغهای سران فرقه رجوی را خورده و به گروه تروریستی مجاهدین پیوست و از آن زمان خانواده او هیچ تماس و یا نامه ای از او نداشته و ندارند و تنها صحبت های افرادی که توانستند خودشان را از چنگال این فرقه ضد بشری نجات دهند می باشد که خبر از زنده بودن آشور داشته و خانواده او را دلگرم می نماید .

نفس ورشی از جمله خانواده هایی است که برای دیدن برادرش در چندین نوبت عازم عراق شد ولی سران گروه تروریستی رجوی به او و خانواده اش اجازه ملاقات ندادند و اکنون وی برای اعتراض به انتقال داده نشدن برادرش به آلبانی به ارگانهای بین المللی نامه می نویسد تا بلکه بتواند حداقل به این طریق در مورد جنایتهای سران فرقه رجوی افشاگری نماید و به گوش آنها برساند که سرکرده جانی و ضدبشری سازمان مجاهدین چه خواب بدی برای عناصر باقی مانده در لیبرتی بخصوص افرادی که اسیر نیروهای بعثی شده و از آنجا توسط سران فرقه رجوی فریب خورده و به آنها ملحق شده بودند گذشته و حالا با باقی گذاشتن آنها در لیبرتی ، همچون 10 شهریور اشرف با ایجاد درگیری ساختگی ، آنها را نیز از بین ببرند .

براستی این دیو بی شاخ و دم چه فکر کرده و بدنبال چه می باشد که اینگونه خانواده ها را اسیر و گرفتار نموده و فرزندان آنها را به هر نحوی که میخواهد بدور خود می گرداند؟ آیا این همه خونخواری و کشتن انسانهای بی گناه و زندانی نمودن افرادی که در طول عمرشان حتی یکبار هم با نام سازمان مجاهدین آشنا نبودند کافی نیست و حتما باید خونهای بیشتری ریخته شود تا این شیطان سرمست شود؟ پس تکلیف این همه شعار حقوق بشری و ارگانهای مدافع حقوق انسانهای آزاده چه می شود که این جنایتکاران و ناقضین حقوق بشر براحتهای مبادرت به برده داری نوین می کنند؟ ولی باید از عذاب الهی ترسید و واهمه داشت که شدت و حدت آن بسیار زیاد می باشد و هم در این دنیا و هم در جهان

آخرت گریبانگیر سرکرده فرقه رجوی خواهد شد . الهی آمین

بازهم باطالع خانواده های متحصن رسانده و از آنها کمک بخواهید!

مرکز آذربایجان شرقی - یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۴

با توجه به شناخت عمیق از باند رجوی، بنظر می رسد، این باند برای درسایه نگهداشتن سفر سخت وقهرمانانه ی عده ای از هموطنان مرتبط با اسرای لیبرتی به عراق، بازهم محاصره ی پزشکی و دارویی را مطرح کرده است!

ابتدا فرقه ی رجوی کوشید که اینها را مزدور این و آن معرفی کند و بجای حل مسئله، با پاک کردن صورت آن و اینکه اینها افرادی نیستند که طی دهها سال منتظر دیدار عزیزان نگون بخت خود در اشرف ولیبرتی هستند، مسئله ی مهم تحسن خانواده ها در دروازه ی لیبرتی را از اهمیت بیاندازد. این ادعا ها بارها از سوی گماشتگان رجوی تکرار شده و ما همواره با نظر شک و تردید زیاد باین ادعاها نگریسته ایم! اما از آنجا که کار از محکم کاری عیبی نمیکند، جواب همیشگی ما در برابر این ادعاها این بوده که اولاً قرار نبود که این فرزندان مظلوم ما که عالم دوزخ را در زمین خاکی تجربه کرده اند، جز برای مدت دو سه ماهی در این کمپ لیبرتی مانده و قرار بود برای حفظ جانیشان به خارج از مرزهای ایران منتقل گردند که اعزام قطره چکانی این عزیزان باوضع موجود و حرکات مشکوک رجوی، سه سال طول خواهد کشید که در این مدت عده ی زیادی از فرط دوری از مردم و زندگی در قفس رجوی، دست از زندگی نکبت بار خود خواهند شست!

بنابراین ما ابتدا بر اعزام سریع وانبوه این فرزندان تیره بخت خود اصرار داشته و داریم و در درجه ی دوم، خواهان برطرف شدن محدودیت های ممکن بر علیه آنها در عراق هستیم که طبعاً رفع این محدودیت ها نباید وسیله ی ماندن آنها در لیبرتی گردد!

ثانیا برای مدت کوتاهی که این اسیران رجوی در لیبرتی هستند، اعمال هرنوع محدودیت های غیر قانونی بر علیه آنها را محکوم کرده و این محکومیت در درجه ی اول شامل حال گماشتگان رجوی است که مانع تفکر صحیح آنها و دسترسی به اطلاعات آزاد و دیدار با خانواده هایشان میگردد. بارها متذکر شده و این بار هم میثوبیم که این اعضا باید اختیار دیدار با خانواده های خود داشته و با شرح محاصره ی ادعایی، از این خانواده های فداکار کمک بخواهند و بدانند که هیچ حامی جدی و عمده ای مانند اعضای خانواده ی خود، در هیچ کجای جهان نداشته و نخواهند داشت! کسی که خود محاصره کننده است، نمیتواند دیگری را به محاصره متهم کند!

ضمناً توقع زیاد از صاحبخانه که مهمانانی نخوانده با سرپرستان شرور و جلاد رادارد، توقعی احمقانه و بیمورد است! گروهی از اعضای خانواده ی اسرای مسعود رجوی در لیبرتی عراق استان آذربایجان شرقی



نامه شماری از خانواده های ساکنان لیبرتی به دبیرکل ملل متحد



مرکز گیلان - چهارشنبه ۱ مهر ۱۳۹۴

آقای دبیرکل

ما شماری از ساکنین مقیم ایران - گیلان از خانواده های دردمند و چشم انتظاری هستیم که هریک عضوی از خانواده خود در اسارت رجوی داریم و سالیان است که حسرت یک تماس تلفنی و شنیدن صدایشان در دل‌های شکسته خود داریم.

در زمانه حاکمیت دیکتاتور مابانه صدام ملعون ولی نعمت رجوی خائن به ایران و ایرانی مطلق از عزیزان دربندمان خبری نداشتیم تا اینکه با سقوط صدام و باز شدن راه نفسی برای اعضای ناراضی توانستیم ضمن ملاقات با جدا شده های استان خود از وضعیت عزیزانمان نیز کسب خبر بکنیم و دریافتیم که در زندان اشرف بسر می‌برند و با مشقات و ناهنجاریهای فراوانی دست و پنجه نرم میکنند.

در آن دوران یاده شده برغم تحمل فشار مسافرت به عراق ناامن بواسطه کار شکنی های دارودسته رجوی و همچنین صاحب خانه جدیدشان امریکا اجازه ملاقات با عزیزانمان نیافتیم تا اینکه در یک کارزار سخت انسانی در سطح بین المللی که حکایتی جداگانه دارد موفق شدیم درب اسارتگاه اشرف گل



گرفته شود و برغم کارشکنی رجویها اسرای نگون بخت جملگی به کمپ موقت لیبرتی انتقال داده شوند و حفاظت آنان نیز به دولت قانونی عراق سپرده شده بود.

کمپ لیبرتی یا همان ترانزیت درواقع سرپلی بود که می بایست اسرای گرفتارمافیای رجوی درعرض کمتر از 6 ماه به کشورهای ثالث انتقال می یافتند درحالیکه با کارشکنی مزورانه رجویها امرانتقال اسرا به دنیای آزاد به درازا کشید و تاکنون 4 سال از آن میگذرد. درمدت زمان مذکور بالغ بر 500 نفر بطورقطره چکان آنهم دستچین شده بتوسط عوامل سرکوب رجوی موفق به خروج ازعراق واسکان درکشورآلبانی شدند که متأسفانه کماکان به خاطرمشکلات مالی و حقوقی حل نشده عزیزانمان درآلبانی تحت فشارروحي و روانی دارودسته رجویها قراردارند.

آقای دبیرکل

چندی است که شماری ازخانواده های دردمند امکان مسافرت به عراق وتحصن درمقابل ترانزیت لیبرتی شدند تا که شاید موفق به دیداروملاقات باعیزانشان نائل آیند ولیکن متأسفانه همان تراژدی دردناک تحصن سه ساله درمقابل اشرف مضمحل شده دارد تکرار میشود وخبردارشدیم که هم دردان ما بی آنکه عزیزانشان را درآغوش بفشارند با چشمانی اشکبار ناگزیربه بازگشت به ایران وخانه وکاشانه خود شدند.

آقای دبیرکل

چه باید کرد؟ شخص شما درراس نهاد رسمی بین المللی قراردارید وازشما می پرسیم وشما صادقانه ومسولانه وعطف به منشورملل متحد پاسخ بدهید که گناه ما خانواده های دردمند چیست که اجازه ملاقات با زندانی خود را نداریم؟ چگونه است که یک گروه مخرب تروریستی آنهم درخاک عراق وتحت سیطره دولت عراق که ازدوستان ملت ایران محسوب میشوند بسان دوستان داعشی خود زندان دارند وشکنجه میکنند وآدم می کشند وبی محابا جولان میدهند وبه هیچ نهاد بین المللی هم پاسخگو نیستند!!!

آقای دبیرکل

تا دیرنشته وعیزانمان به کام مرگ وقربانگاه نرفته که مسبب اصلی اش کسی جزشخص رجوی متواری نیست به دادمان برسید وفریادرس ما باشید. حق مشروع وانکارنشدنی مان دریک کلام دیداروملاقات با عزیزانمان درکمپ لیبرتی است همین وبس . اطمینان خاطرداریم عزیزان زندانی ما با یک دیدارخانوادگی چونان سیل به جانب کانون پرمهرخانواده هایشان بازخواهند گشت وآنروزنویده اضمحلال نهایی فرقه بدنام رجوی است که دلهای ما آرام خواهد گرفت.

با تشکر - شماری ازخانواده های دردمند وچشم انتظارگیلک

رونوشت به:

-آقای حیدرالعبادی نخست وزیرعراق

-آقای کدونماینده کمیساریای عالی پناهندگان درعراق

نامه خانواده های استان مرکزی خطاب به شخص رجوی!!



مرکز اراک - یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۴

آقای رجوی!

ما خانواده های استان مرکزی با احترام می خواهیم با شما صحبت کنیم مثل شما و سرانت بی ادب نیستیم که ما را اوباش خطاب می کنند. آقای رجوی فرزندان ما چندین سال است که در چنگال شما اسیر هستند طی این چندین سال به آنها اجازه ندادید یک تماس تلفنی با ما داشته باشند که از حال آنها با خبر شویم گناه ما پدر و مادر ها چیست که شما چندین سال است ما را داغدار کردید .

آیا ملاقات با فرزندانمان از دید شما جرم است ما خانواده ها چندین بار با کلی مشکلات به عراق سفر کردیم حنجره خودمان را کنار پادگان اشرف پاره کردیم حاضر بودیم 2 دقیقه فرزندانمان را از نزدیک ببینیم ولی به جای اینکه اجازه دهید با فرزندانمان دیداری داشته باشیم از سوی سرانت با سنگ و فُحش که لایق خودشان است از ما استقبال کردند . خلاق هر چه لایق . شما که دم از حقوق بشر می زنید نهایت نقض حقوق بشر را طی این چند سال در حق فرزندانمان اعمال کرده اید ابتدایی ترین آزادی را از فرزندان ما سلب کردی این همه بلا بر سر فرزندان ما آوردی بس نیست؟ کمی از خدا بترس . بترس از روزی که آه پدران و مادران تو را بگیرد و تا آخر عمرت افسوس بخوری مطمئن باش در آینده خیلی نزدیک خداوند جواب ما را از تو خواهد گرفت.

و حرف آخر ما خانواده ها با شما ! تا توان داریم آزادی فرزندانمان را دنبال خواهیم کرد و این را بدان تا آزادی فرزندانمان عقب نشینی نخواهیم کرد . به امید روزی نه چندان دور که فرزندان ما از چنگال شما آزاد شوند و و یک زندگی آزاد برای خودشان انتخاب کنند . به امید آن روز.

خانواده های استان مرکزی - اراک

نامه سر گشاده به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو

میر باقر صدیقی، سوئیس، پنجشنبه 2 مهر 1394



ریاست محترم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اینجانب میر باقر صدیقی یکی از اعضای قدیمی و با سابقه فرقه رجوی اخیر مطلع شده ام که از ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۵ سی امین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در شهر ژنو شروع شده و تا ۲ اکتبر ادامه خواهد داشت.

من و خانواده ام بعنوان یکی از قربانیان حقوق بشر بجا دیدیم برای حفظ و ارتقاء حقوق بشر در سطح جهان به افشای موارد عدیده نقض حقوق بشر در مناسبات و تشکیلات فرقه رجوی با این نامه به شما اطلاع رسانی کنیم. 15 سالی که من در قرارگاههای فرقه رجوی در عراق بوده ام تماماً ممنوع الملاقات بوده ام در فرقه رجوی خانواده بعنوان سم و خوره تشکیلات معرفی میشد از اینرو هیچ یک از ما یعنی اعضا حق نداشتیم در خواست تماس مکتوب یا تلفنی یا ایمیلی با خانواده هایمان را داشته باشیم تا چه برسد به اینکه درخواست ملاقات با خانواده بکنیم به خاطر قطع بودن از دنیای بیرون ما

نمیدانستیم موبایل چیست ،نمیدانستیم اینترنت چیست، نمیدانستیم فیس بوک چیست ما اعضای فرقه رجوی در داخل مناسبات در مقرهای که فرقه برای ما سازماندهی کرده بود زندانی بودیم حتی برای تردد به مقر دیگر که معمولاً ۲۰۰ متر بیشتر فاصله نداشت میبایست ویزای تردد میداشتیم که معمولاً این ویزا های تردد را خودشان صادر میکردند که بیشتر جنبه کاری داشت ما هم زندانی و هم زندان بان زندانهای فرقه رجوی بودیم بخاطر شستشوی مغزی که در نشستهای عملیات جاری (انتقادی) بر روی ما اعمال میشد تمامی احساسات ما در قبال پدر، مادر، برادر و خواهر خفه شده بود و بی دلیل نیست که هم اکنون اعضای گرفتار این فرقه به خانواده های که برای ملاقات آنها ریسک سفر به عراق را پذیرفته اند را خانواده الدنگ میخوانند. مادرم ۲۷ است که از وضعیت حالی برادر میر واقف که هم اکنون عضو این فرقه است هیچ خبر و اطلاعی ندارد.

در مناسبات فرقه رجوی ازدواج و تشکیل خانواده ممنوع است حتی کسانی که متاهل بودند این فرقه آنها را مجبور کرده اند که از همسرانشان طلاق بگیرند بچه های صغیر این اشخاص در زمان صدام حسین به زور از والدینشان جدا و به اروپا فرستاده شده اند نمونه بارز آن فرزندان خردسال خانم بتول سلطانی بود و هزاران مورد دیگر که قابل پیگرد و تحقیق میباشد.

در اثر شکنجه های روحی و روانی بسیاری از اعضا در این فرقه دچار افسرده گی شدید شده اند از جمله این قربانیان خود من بودم من از سال ۱۳۷۷ از این فرقه میخواسم جدا بشوم دلیل این هم برمیگشت به خودسوزی فرمان (جوان کرد ایرانی) که در عراق بزرگ شده بود اما ۵ سال تما م من بدلیل ترس از استخبارات عراق (اداره امنیت داخلی عراق) نمیتوانستم در خواست خروج بدهم بدلیل تباری مسعود رجوی با صدام حسین دیکتاتور سابق عراق رجوی میگفت هر که از ما نیست بر ماست پس بریده مزدور اول دو سال زندان خروجی سازمان میماند بعد از سوختن اطلاعات به دولت عراق تحول داده میشود تا در زندان بد نام ابوغریب ۸ سال دیگر به جرم ورود غیر قانونی به عراق زندانی شود بعد هم تعویض با اسرای جنگی در این ۵ سال چون روزانه از خودم گزارش وضعیت نمی خواندم مورد آزار واذیت فرقه رجوی قرار گرفتم فرقه رجوی هر روز نشست انتقادی برای من می گذاشتند که چرا از اتوبان رهبری خارج شده ام در اثر شکنجه های روحی و روانی نشستهای انتقادی به بیماری افسرده گی مبتلا شده بودم هر روز سر دردهای شدید داشتم و هفته ای دو بار نیز خون بیرون میرفتم شدت خون ریزی به حدی بود که تمای سطح توالت را خون میپوشاند

اخیراً هم مطلع شده ام بدلیل شدت مسئله داری نیروها و تهدید هم گسیختگی تشکیلات . فرقه رجوی در عراق و آلبانی بر میزان شکنجه های روحی روانی افزوده است و فرقه از همه نیروها خواسته است که طلبکاری را طلاق دهند.

ملاقات هیأتی از کانون ایران قلم با مسئولین سفارت آلبانی در برلین

ایران قلم، سه شنبه 31 شهریور 1394



هیئتی از طرف کانون ایران قلم با تعدادی از مقامات سفارت آلبانی در برلین دیدار و گفتگو کردند. اعضای هیأت یاد شده در این دیدار تشکر خود را از مردم و دولت آلبانی که گروهی از اعضای مجاهدین خلق را که با خطر ناامنی در عراق روبرو بوده و هم‌اکنون در خاک خود پذیرفته اند، ابراز کردند. اعضای کانون ایران قلم اعلام کردند حساب رهبری سازمان مجاهدین خلق از بدنه و اعضای قربانی این گروه جدا می‌باشد و ما به عنوان افرادی که خود از ۱۰ تا ۲۵ سال تجربه حضور تشکیلات سازمان مجاهدین خلق در عراق و کشورهای اروپایی را داشته‌ایم، فکر می‌کنیم رهبری سازمان مجاهدین خلق سودای خلق پادگان اشرف را در آلبانی و شهر تیرانا دنبال می‌کند و این با نیت اولیه مردم و دولت آلبانی برای نجات این افراد در تعارض می‌باشد.

اعضای هیأت ذکر شده برای مقامات آلبانیایی توضیح دادند که سازمان مجاهدین خلق دارای رهبری انحصاری، مادام‌العمر و ایدئولوژیک می‌باشد که با روش‌های مغزشویی و نیرنگ و فریب توانسته است ساختار یک فرقه تمام‌عیار را در قالب سازمان مجاهدین پایه ریزی کند و ما از اینکه رهبری سازمان مجاهدین از فرانسه و در شهرک اوورسورواز قصد بازسازی قلعه اشرف در آلبانی را دارد، ابراز نگرانی می‌کنیم. آنها یادآوری کردند که سازمان مجاهدین با تهیه ساختمان‌های مختلف و تشکیل پایگاه‌های سری در آنها روزانه ساعات زیادی را با برگزاری نشست‌های مغزشویی، تغییر فکر و اندیشه افراد منتقد و یا غیر منتقد را دنبال میکند تا آن‌ها را هر چه بیشتر به بند بکشد و ما از مقامات کشور آلبانی درخواست داریم که با شناخت کامل از این فرقه روابط خود را با آن‌ها تنظیم کنند و با آن برخورد داشته باشد و باید اعضای قربانی مجاهدین در آلبانی را به صورت شخصیت حقیقی و پناهنده بشناسد و مستقیم در مورد هر مسأله حقوقی و قانونی با خود فرد مذاکره کند و نه نمایندگان سازمان مجاهدین.

نکات گفته شده توسط هیئت ایران قلم، موجب شگفتی و تعجب مسئولین آلبانیایی شد و تعجب خود را از رهبری سازمان مجاهدین خلق و اهداف آن‌ها در اروپا و کشور آلبانی را اعلام کردند.

همچنین هیئت ایران قلم به مسئولین آلبانیایی گفتند که رهبری مجاهدین خلق با اعزام تعدادی از فرماندهان نظامی و با سابقه خود از جمله تعدادی از زندانبانان و شکنجه‌گران این سازمان در عراق و همچنین مقر مریم رجوی در فرانسه به کشور شما قصد دارند با برقراری مجدد همان سیستم و مناسبات فرقه گرایانه و خشونت طلبانه فضا و مشکلاتی را که برای دولت و مردم عراق ایجاد کردند، در کشور آلبانی نیز تکرار کنند و این سرآغاز اقدامات بعدی رهبری تروریست و خشونت طلب این فرقه در راستای نقض حاکمیت کشور شما و دخالت در امور داخلی و اجتماعی آن می‌باشد چرا که رهبری این سازمان با پشتوانه پول‌های صدام حسین اقدام به خرید ساختمان‌های متعدد در تیرانا، به مانند عراق و فرانسه، جهت محلی برای اعمال روش‌های مغزشویی و آموزش‌های تروریستی کرده است.

در انتها مسئولین آلبانی ضمن تشکر از حضور هیئت ایران قلم در این گفتگوی روشن‌گرانه قول دادند که اظهارات هیأت را به اطلاع مقامات دولت آلبانی برسانند و ابراز امیدواری کردند که در آینده نیز چنین دیدارهایی مجدداً صورت گیرد.

فرقه ی رجوی ، تعبیر وارونه ی رؤیای حنیف

مرکز فارس - شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۴



پنجاه سال پس از آغاز فعالیت سازمان مجاهدین خلق ایران در 1344 شمسی ، فرقه ی رجوی عنوانی بسیار مناسب تر است برای تشکیلاتی که روزی بنا نهاده شد تا با امپریالیسم جهانی مبارزه کند.

محمد حنیف نژاد و یارانش که مسلمانانی معتقد بودند سازمان مجاهدین خلق را تأسیس کردند تا حکومت پهلوی را به عنوان حکومت دست نشانده امپریالیسم امریکا ، سرنگون کنند لیکن

آن ها بخت یار نبودند و در ضربه ی سال پنجاه توسط ساواک دستگیر و اعدام شدند. با کشته شدن سران اولیه و بنیانگزاران سازمان ، رهبری سازمان پس از فراز و نشیب های انشعاب تقی شاهرام، به دست مسعود رجوی افتاد ، کسی که تشکیلات مجاهدین خلق را از اپوزیسیونی سازمان یافته به فرقه ای مخرب و فریبکار تبدیل کرد. در فرقه ی ساخته ی دست رجوی، افراد درون ساز و کاری قرار می گیرند که قدرت تفکر را از آنها سلب می کند و آن ها را تبدیل به ابزاری در دست فرقه برای دستیابی به جاه طلبی های رهبر آن می کند.

نمونه های افرادی که در فرقه ی رجوی شستشوی مغزی شدند بسیارند. اما نمونه های شاخص و سرشناس همواره در ذهن ها می مانند و عمق نفوذ فرقه ای را بیشتر نشان می دهند. مهدی ابریشمچی یکی از این افراد است. وی مصداق بارز فردی ست که در فرقه ی رجوی مسخ شد ، تا جایی که همسر خود را تقدیم به رهبری فرقه کرد و سرسپردگی خود به مسعود رجوی را به حد اعلا ی رذالت رساند. از همین رو سخنان وی درباره ی سالگرد تأسیس سازمان مجاهدین خلق بسیار شنیدنی ست . اظهار نظراتی که عمیقاً با ماهیت واقعی مسعود رجوی و تشکیلاتش تناقض دارد ، تنها از دهان افرادی چون ابریشمچی شنیده شود.

در مصاحبه ای تبلیغاتی در نشریه ی مجاهد که به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان مجاهدین خلق در وب سایت فرقه ی رجوی باز نشر شده است، ابریشم چی ادعا می کند که در تمام سال های حیات سازمان تا به امروز ، بنیانگزاران سازمان چون " نطفه ی طیب و طاهر موتور محرک و راهنمای عمل همه ی مجاهدین " بودند. چنانچه وی می گوید نیت، خواست و انگیزه ی بنیانگزاران سازمان ، از همان آغاز پاک و پاکیزه و به دور از فرصت طلبی های سیاسی و منافع شخصی و فردی بوده است.

بدیهی است که انگیزه و نیت بنیانگزاری چون حنیف نژاد نسبت به مسعود رجوی پاکبازانه بود چرا که اگر غیر از این بود آن ها به نحوی از زندان ساواک جان سالم به در می بردند و اعدام نمی شدند. همان طور که مسعود رجوی جان به در برد و به عنوان تنها بازمانده ی سران اولیه ، رهبری سازمان را به دست گرفت . پرویز ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک در کتاب " دامگه حادثه درباره ی ماجرای اعدام نشدن رجوی توضیح می دهد که چگونه با وساطت برادرش کاظم رجوی و همکاری خود مسعود رجوی در بازجویی های ساواک حکم اعدام وی را تخفیف می دهند. ثابتی می گوید: " ... متأسفانه یا خوشبختانه من واسطه شدم برای آزادی و زنده ماندن رجوی .. " این در حالی ست که ابریشم چی درباره ی مسعود رجوی می گوید: "



حرکت مسعود در تداوم راه حنیف قبل از هر چیز همان پاکی و پاکیزگی و صداقت اولیه است، و الا باور کنید که با هوشیاری و ذکاوت سیاسی صرف نمی شد راه را پیدا کرد. نمی شد راه را ادامه داد."

صرف نظر از این که مسعود رجوی اساساً از هوشیاری و ذکاوت سیاسی بی بهره است — وگرنه اکنون سازمان وی تبدیل به فرقه ای از هم پاشیده و از وطن رانده و دربحران عراق مانده و... نمی شد — ادعای ابریشم چی درباره ی "صداقت" و "پاکی" تنها ناشی از ذهن شسته شده و بسته شده در حصارهای فرقه است.

در حالی که تبلیغات چی های سازمان از جمله ابریشم چی ادعا می کنند که "صداقت هسته ی اولیه سازمان دلیل اصلی اولیه حیات مجاهدین طی این چهل سال است"، نگاهی کارشناسانه به ماهیت مجاهدین خلق به عنوان یک فرقه ی مخرب کنترل ذهن و متدولوژی به کار گرفته شده در ساختار این فرقه دلیل اصلی ادامه ی حیات مجاهدین خلق را روشن می کند.

محمد علی جابرزاده دیگر عضو فرقه ی رجوی ست که در تأیید سخنان ابریشمچی ادعا می کند که "صداقت در واقع همان گوهر متعالی انسانی در مبارزه و انقلاب است" و "مناسبات دمکراتیک درون مجاهدین خلق" احیا کننده و شکوفا کننده" بوده است. سوالی که از آقایان تبلیغات چی فرقه ی رجوی مطرح می شود این است که "صداقت" مورد نظر آن ها درمبارزه ی ضد امپریالیسم که حنیف و یارانش بنیان نهادند، چگونه لابی های گسترده و پرهزینه ی مجاهدین در کنگره ی امریکا را توجیه می کند؟ همچنین، حضور خیل عظیم سخنرانان امریکایی — به ویژه از جناح نومحافظه کار جنگ طلب و اسرائیلی — در کنار مریم رجوی در گردهمایی های مجاهدین خلق تبلور کدام "گوهر متعالی انسانی" در مبارزات مجاهدین خلق است؟ "مناسبات دمکراتیک" که جناب جابرزاده عنوان می کند در کدام بخش از سازو کار تشکیلاتی مجاهدین خلق حاکم است که هیچکدام از افراد جدا شده و فراری از فرقه به آن کوچکترین اشاره ای نکرده اند؟

بالعکس، اظهارات و شهادت های اعضای جدا شده حاکی از آن است که مناسبات درونی مجاهدین خلق به شدت غیردمکراتیک است. طلاق اجباری، جدایی والدین از فرزندان، برنامه خواب و کار اجباری، محرومیت از استفاده از رسانه های آزاد و تماس با خانواده و دوستان و بسیاری دیگر از موارد نقض حقوق بشر در فرقه ی رجوی بنابر هیچ معیار انسانی "مناسبات دمکراتیک" تعریف نمی شوند چه رسد به آن که "شکوفا کننده و احیا کننده" باشند.

در شرایط فعلی مجاهدین خلق، این واژه ها به شدت مضحک و طعنه آمیز به نظر می رسد، چرا که اگر انتخاب های مجاهدین هوشمندانه بود و مسعود رجوی از ذکاوت برخوردار بود و مناسبات درونی تشکیلاتش دمکراتیک و شکوفا کننده بود، اکنون شخص مسعود رجوی مخفی نبود. پر واضح است اگر سازمانی چنان که حامیان ادعا می کنند احیا کننده و صادق باشد در طول یک دهه صدها تن از اعضایش از آن جدا نمی شوند و پس از جدایی چنان کینه به دل نداشتند که بخواهند علیه سازمانی که زمانی عضو آن بوده اند و سنگش را به سینه می زدند، افشاگری کنند. سازمانی کنونی مجاهدین خلق یا به عبارت بهتر فرقه ی رجوی، نسخه ای وارونه از آن تشکیلاتی ست که حنیف و یارانش رؤیای آن را در سر پروراندند بودند و تا پای جان برای آرمان های آن ایستادند.

مзда پارسی



نامه جمعی از اعضای جدانشدگان از مجاهدین به ملل متحد و صلیب سرخ در عراق

مرکز کرمانشاه - یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹۴

نمایندگان محترم ملل متحد و صلیب سرخ جهانی مستقر در عراق .

با عرض سلام و آرزوی موفقیت در فعالیت های بشر دوستانه در اقصی نقاط جهان بویژه در عراق . احتراماً ما اعضای جداشده به عرضتان می رسانیم که عده ای از جدانشدگان و اعضای سابق فرقه آقای رجوی هستیم . اینک در برخی سایت های اینترنتی به مطلبی برخوردیم که گویا در مراجعه خانواده های اعضای اسیر در مجاهدین از شما شنیده اند که اعضای مستقر در کمپ لیبرتی دارای پروفایل شخصی و ارتباطات با داخل ایران هستند. اولاً جای تاسف دارد که نمایندگان دو ارگان حقوق بشری جهانی چگونه به این راحتی فریب ترفندهای رجوی را خورده اند. ثانیاً تاسف می خوریم به حال هم خانواده ها و اعضای اسیر در کمپ لیبرتی که چگونه فرقه مجاهدین رجوی اینگونه با سرنوشت و حقوق آنان بازی می کند.

جهت اطلاع آن نمایندگان صرفاً به یک نکته از ترفندهای ضد انسانی و ضد بشری فرقه مجاهدین اشاره می کنیم که در گذشته رهبری مجاهدین به آن دست زده و موجب به خطر انداختن جان و امنیت اجتماعی خانواده های اعضای خود شده است.

آقایان نمایندگان ملل متحد در عراق در سالهای قبل از سقوط دیکتاتور وقت عراق (صدام حسین) رهبری مجاهدین در یک ترفند برای کنترل پاسیویزم در درون اعضایش در کمپ اشرف و هم چنین فعال نمودن تضاد بین رژیم ایران و خانواده های اعضای خود دست به عمل زشت و ضد انسانی زد که دقیقاً مشابه همین ترفندی است که امروزه به خورد شمایان داده است.

در آن زمان رجوی به اعضای خود فشار آورد که همه طی پروژه ای برای خانواده هایشان در داخل ایران نامه بنویسند و در آن از خانواده هایشان بخواهند با رژیم ایران درگیر شوند و به مجاهدین بپیوندند و در داخل ایران دست به خرابکاری بزنند و همچنین به این اعضای بخت برگشته اجبار شد در نامه هایشان شعارهای تیز علیه سران دولت ایران بنویسند و...

رجوی بعد از اخذ این گونه نامه ها و دست خط ها با الصاق تصاویر رهبری فرقه به داخل نامه ها و ثبت آدرس خانواده مذکور نامه ها را از کشورهای انگلیس - فرانسه و آلمان و سوئیس و ایتالیا به داخل ایران ارسال کرد و رجوی با کاری ضد بشری همه نامه ها را طوری ارسال کرد که همه آنها به اشتباه و عمداً به ارگانهای امنیتی دولت ایران برسد تا از آن طریق با خواندن نامه توسط ارگانهای امنیتی ایران تضاد سه ضلعی خانواده - رژیم ایران - اعضای فرقه اکتیو گردد.

توجه نمایندگان ملل متحد را جلب می کنیم که رهبری فرقه برای فریب و حفظ حیات خود دست به هر عمل زشت و ننگین حتی قتل و جنایت دسته جمعی افراد خود هم خواهد زد . نمونه آن در 10 شهریور دو سال قبل در اشرف را مشاهده کردید .

اکنون از آن نمایندگان تقاضا داریم در مقابل ترفند رجوی تجدید نظر نمایید و به خانواده های بردگان در کمپ لیبرتی توجه نمایید. با تشکرو احترام

عده ای از جدانشدگان از فرقه رجوی در استان کرمانشاه

کارنامه فرقه رجوی



مرکز ایلام - دوشنبه ۶ مهر ۱۳۹۴

کارنامه مجاهدین خلق و شخص رجوی پس از انقلاب ضد سلطنتی و به ویژه در آغاز تجاوز رژیم عراق (صدام) پر از حرف و حدیث ها و تناقض گویی هایی است که سرانجام آن خزیدن زیر عبای رژیم حزب بحث و صدام دیکتاتور را به همراه آورد.

آقای رجوی که حکومت مطلق را که از آن خود می دانست و سازمان را به عنوان گروه پیشتاز برای همه گروه ها و برتر از هر کس و هر جریانی تلقی

می کرد با بهانه های متفاوت و گوناگونی در تعارض با انقلاب و به تعبیری حتی سایر گروه های دیگر مواضع افراطی و اقتدار گونه ای اتخاذ می کرد. از یک سو به قانون اساسی و رفراندم تن نمی داد و از یک سو خود را کاندید ریاست جمهوری می کرد که مردم با اکثریت به آن رأی مثبت داده بودند ، اما رجوی هرگز تن به آن نمی داد.

پرونده رجوی در آغاز تا انتهای جنگ هشت ساله بین ایران و عراق شاهی بر این تناقضات است که او به دنبال چه چیزی بود که حتی در زندان های شاه دست از رویارویی با جریان های مختلف و قشر تأثیر گذار روحانیت بر نداشت و این خط سیر هم در جریان انقلاب و تا بعدها ادامه و در دستور کار رجوی بود. او خود را همراه انقلاب و رهبری آن (آیت الله خمینی) توصیف ولی از پشت پرده دست به کار فتنه و معامله های سیاسی بود.

آقای رجوی در جنگ تحمیلی در آغاز و مرحله اول خود را این کاری نشان داد که مخالف جنگ است و صدام را متجاوز می دانست که باید به مرزهای بین المللی برگردد. اما وقتی با تک روی ها و انحصارطلبی های او از طرف حاکمیت برخورد می شد طولی نمی کشید که در واقعه ۱۴ اسفند و در پیام نوروزی خود ، رهبر انقلاب را به آغاز جنگ تحمیلی متهم کرد و به این عبارت که ، در سالی که گذشت ، مدافع کارهای مفرط سیاسی ، بی کفایتی در برخورد با مسائل بین المللی ، دخالت در امور دیگران به بهانه صدور مکانیکی انقلاب الگویی که انقلاب یک جنس است ، کار را به آنجا رساند حکام بسته عراق به فکر ارضاع هوس های جاه طلبانه خود در خاک میهن ، بیفتند.

این پیام نوروزی مسعود رجوی بود که آن موقع رژیم بعث و صدام را حاکم مستبد و دیکتاتور می نامید که به خاک میهن تجاوز کرده بود. اما دروغ و تظاهر رجوی خود را نشان داد وقتی فکر و هم و غمش برای تصاحب قدرت به جایی نرسید، همه این سخن ها را فراموش کرد و در خیانت به خلق و مردم سر از پا نشناخت و با همکاری با صدام جنایت ها و خیانت هایش را در حق مردم ایفا کرد.

این خیانت ها و جنایت ها هر چند باعث لطمات زیادی به ایران و ایرانی شد اما به حکم تاریخ و تکامل و وعده ی خدا به خلق های مظلوم سرانجام هیچ فرصتی برای رجوی و فرقه اش فراهم نشد و با پایان جنگ او که زائده آن بود در تونل سیاه و تاریکی که با تعرض با منافع خلق و خلق ها قدم در راه آن برداشت ، افتاد که اکنون بیش از ۱۳ سال است که سوراخ موش و پناهگاه برای حفظ جاننش نصیب او شده است و به رغم همه تلاش ها برای خدمت به دشمنان دستاوردش جز ، نفرین ملت و ملت ها نبوده و نیست و این وقتی است که همان اربابان مانند دستمالی کثیف در بی هویتی و بی آیندگی تحویل نمی گیرند و پدرخوانده اش صدام و عاقبت او را در مورد خودشان در افق مقرر می کنند.

فرقه ی رجوی پرچمدار آل سعود



مرکز فارس - شنبه ۴ مهر ۱۳۹۴

مراسم حج امسال بی گمان یکی از دردناک ترین و فاجعه بارترین حوادث در سطح بین المللی بود. سقوط جرثقیل غول پیکر در مسجد الحرام که منجر به مرگ چندین تن از زائران خانه خدا شد فاجعه ی کمی نبود که حادثه منا هزاران تن از زائران را به کام مرگ کشاند. طبیعی ست که در پی وقوع چنین حوادثی، به ویژه در سطح بین المللی انگشت اتهام به سوی دولت متولی مراسم نشانه رود. عربستان سعودی به عنوان متولی مناسک حج سالانه دریافت کننده ی مبالغ هنگفت هزینه ی سفر حج مسلمانان است و انتظار می رود که در برگزاری مراسم و برقراری نظم و امنیت حجاج در طول فرایند حج اهتمام لازم را به عمل آورد. اما وقوع حوادثی چنین مرگبار نمره کارنامه ی دولت سعودی را بسیار تنزل می دهد.

انتقاد به عملکرد ضعیف دولت سعودی در برگزاری مراسم حج در سطح رسانه های بین المللی واکنشی کاملاً عادی به نظر می رسد. این در حالی ست



که در سایت های فرقه ی رجوی اخبار حوادث منا با سوگیری به نفع مقامات سعودی بازتاب داده می شود و جمهوری اسلامی که واکنش انتقادی به این حوادث داشته است متهم به دجال گری می شود. غالب اخبار منتشر شده در پروپاگاندای مجاهدین خلق در جهت تطهیر دولت سعودی و توجیه بی کفایتی آن ها و در مقابل متهم کردن دولت ایران به مخالفت سیاسی با سعودی هاست.

وقوع چنین رویدادهای فاجعه آمیزی در مراسم و گردهمایی های بین المللی بی سابقه نیست. شاید اخیرترین آن فروریختن پلی در برزیل در جریان رقابت های جام جهانی فوتبال 2014 بود و که موجی از انتقاد های کشورهای جهان نسبت به دولت برزیل و عدم کفایت آن در برگزاری رقابت ها به دنبال داشت.

حال اینکه چرا مجاهدین خلق بدین سان آشکارا از دولت سعودی حمایت می کنند و در وب سایت هایشان اثری از ابراز تأسف و همدردی برای کشتار بیش از صد تن از هموطنان و مفقود شدن شمار زیادی از دیگر هموطنان وجود ندارد. در مقابل اخبار واکنش خصمانه خطیب جمعه ی مکه و دیگر مقامات سعودی به انتقاد های جمهوری اسلامی دیده می شود. شگفت آن که همواره در صورت وقوع زلزله ای در ایران که از بلایای طبیعی محسوب می شود، حتی اگر خسارت جانی هم در پی نداشته باشد، بلافاصله چهره ی غمزده و پیام تسلیت مریم رجوی روی صفحات ماشین تبلیغاتی مجاهدین خلق دیده می شود و جمهوری اسلامی مقصر بلای آسمانی تلقی می شود.

حمایت فرقه ی رجوی از سعودی ها البته تازگی ندارد. در حالیکه بازوی تروریستی و شکنجه گر سعودی ها در منطقه یعنی داعش که جنایات آن در طول تاریخ بی سابقه است، از سوی مجاهدین خلق "عشایر انقلابی" و "انقلابیون عراق" خوانده می شود، بدیهی ست که هوادارای آل سعود در دستور کار مجاهدی خلق قرار گرفته است. همچنین تاکنون گزارش های بسیاری از حمایت مالی سعودی ها از فرقه رجوی در رسانه ها منتشر شده است و دیدار مریم رجوی با مقامات سعودی در پاریس از تازه ترین اخبار از حسن روابط میان رجوی و آل سعود است.

علیرغم همه تلاش های دستگاه تبلیغاتی فرقه ی رجوی، گزارش های شاهدان عینی حادثه منا و همچنین فیلم ها و عکس های موجود در صفحات شبکه های اجتماعی و وب سایت های خبری مستقل، همه حاکی از سوءمدیریت برگزارکنندگان مناسک منا است و اگر مقامات عربستان سعودی منطقی و مسئولیت پذیر باشند کمترین واکنش آن ها باید عذرخواهی از بازماندگان حادثه و خانواده های داغدار باشد. همچنین، گزارش های متعدد حاکی از آن است که تدابیر امنیتی ویژه جهت عبور ولیعهد عربستان از محل و مسدود شدن مسیرهای فرعی، حادثه ی منا را رقم زده است. حمایت مجاهدین خلق از آل سعود یک نکته را درباره ی این فرقه روشن می کند و آن این است که واژه "خلق" که مراد از مردم جهان است – که در این مراسم از اقصی نقاط جهان حضور داشتند – به هیچ روی برانزده ی مجاهدین نیست. شاید بتوان آن ها را نه مجاهدین خلق که "پرچمدار آل سعود" نامید.

مзда پارسی

نسل انقلاب در اسارت ذهنی و عینی فرقه مخرب رجوی



مرکز خوزستان - چهارشنبه ۱ مهر ۱۳۹۴

به تصاویر بالا به دقت بنگرید درنگاه اول قیام الحجاره... سنگ پراکنی ..مردم مظلوم فلسطین که از جنایات صهیونیست ها به ستوه آمده و با پرتاب سنگ تجاوز آنها را پاسخ می دهند در ذهن تداعی می شود .نه اشتباه نگیرید قدری درنگ و تأمل کنید اینجا اسارتگاه اشرف سابق است و آنانی که در عکس در حال پرتاب سنگ هستند اعضا و قربانیان مغزشویی شده از طرف رجوی خائن هستند که دستور دارند تا به سمت پدر و مادران و اعضای خانواده خود سنگ پرتاب کنند .

راستی رجوی با احساس و عواطف آنها چه کرده که این چنین به سمت عزیزترین کسان خود سنگ پرتاب می کنند ! ایا آنها می دانند که این سنگ ها لحظه ای بعد سر پدر و مادر پیرشان را می شکافد ؟! آنها چه توجیهی برای کارشان که با هیچ یک از معیارهای انسانی سازگار نیست دارند ؟ آیا دوران مرگ عاطفه هاست ؟ این داستان تلخ و عبرت آمیز نسلی است که در سال 58 یعنی یک سال بعد از پیروزی انقلاب در ایران در میان جو و فضای ملتهب آن روزها و بعد از سالیان خفقان و دیکتاتوری شاه بدنبال گمشده سالیان خود یعنی آزادی و عدالت اجتماعی و در یک کلام آسایش و خوشبختی خلقش می گشت . فضای آن روزها که شور و شوق آرمان طلبی که مقتضای آن دوران جوانی بود از یک سو و شعار پر جاذبه آزادی ، برابری ، جامعه بی طبقه ، احقاق حقوق کارگر و دهقان که ریاکارانه از طرف رجوی به جامعه و نسل جوان تزریق می شد از سوی دیگر نسل جوانی که با احساس و شور و نه شعور و منطق رجوی را برگزیدند و برای این انتخاب سرازپا نمی شناخت ، زیرا باورش شده بود که سعادت ، خوشبختی و آرامش خانواده و مردمش در گرو این



انتخاب است بر همین اساس بزرگترین و با ارزش ترین گوهر وجود خویش یعنی اعتماد را درمتهای صداقت به رجوی سپرد و از این لحظه به بعد ازدرون تهی شد و در این مسیر از تمامی خواسته ها و تمایلاتش گذشت. تحصیلات عالی به منصب و مقام، درآمد و سرمایه و از همه مهمتر و ارزشمندتر عشق به خانواده و جان خود همه و همه را به کام رجوی ریخت. در سال 60 با اعلام جنگ مسلحانه از جانب رجوی بدلیل اینکه آمادگی لازم و شرایط عینی مبارزه را نداشت از ترس دستگیری از کانون گرم خانواده جدا و آواره کوچه شهر و خیابان گردید، چه شبها و روزهایی که تشنه و گرسنه و خسته و رنجور در کف خیابان گوشه، قبرستان و چمن های خیس پارک ها نخواستید و از شدت سرما به خود نلرید. چه بسیاری از آنها که دستشان به خون هموطنان بی گناه آغشته نشد و چه بسیار که قربانی قدرت طلبی رجوی نشده و اعدام نگردیدند.

زمان گذشت و با تنی رنجور و پای مجروح خودش را به قرارگاه اشرف رساند تا یکبار دیگر رجوی را ببازماید با همان اعتماد و با همان صداقت. اشرف جایی بود که رجوی آن را سرزمین موعود و الگوی ایران آزاد و تبلور عینی خواستگاه سیاسی و ایدئولوژیک خود اعلام کرده بود. برجهای بلند و سیم خاردارهای اطراف آن و سربازان تا دندان مسلح عراقی، گشت های اضلاع و داخل قرارگاه و دژبان های محوطه و داخل آسایشگاه همه از غیرعادی بودن شرایط خبر می داد اما عجیب تر از همه حضور سربازان و فرماندهان عراقی جلب توجه می کرد با شروع عملیات نظامی مشترک به یکبار خود را در کنار سربازان دشمن که خاک سرزمین پدری را به لوٹ وجود خویش آلوده کرده بودند و دستشان به خون دهها هموطنش آغشته شده بود دید برای اولین بار وجدان و ضمیر خفته اش به او نهیب زد که در صف و سرزمین دشمن چی می کنی! آنچه می دید برایش باور کردنی نبود، آتش سنگین ارتش عراق بر روی سنگرها و مواضع سربازان ایرانی که در عمق اراضی خود از خاک خود دفاع می کردند و بعد نفوذ و پیشروی نیروهای سازمان و پاکسازی سنگرها و انبوه اجساد سوخته سربازان ایرانی و در نهایت به اسارت گرفتن مابقی و انتقال به خاک عراق و تحویل دادن آنها به نیروهای ضد اطلاعات ارتش بعث و بعد بازجویی و تخلیه اطلاعاتی. شور و فتوح بعد از عملیات و صدور اطلاعیه پیروزی رزمندگان مجاهد و بشارت سرنگونی و از همه تلخ تر دادن پیام تبریک و شور و پایکوبی بر سر اجساد سربازان ایرانی....

عملیات موسوم به فروغ جاویدان علیرغم وعده فتح 38 ساعته تهران از طرف رجوی به سختی شکست خورد. کشتی به گل نشسته ارتش کوچک صدام رجوی با بجا گذاشتن انبوهی کشته و زخمی در اطراف اسلام آباد و تنگه چهارزبر مفتضحانه به خاک عراق گریخت. جای خالی یاران کشته شده در آسایشگاه ها بدجوری تو ذوق میزد همه از خود می پرسیدند چرا و چه باید کرد؟ مدتی بعد جواب خود را از رجوی گرفتند: "طلاق و انقلاب" رجوی خائن در جلسه جمعی که بعد از عملیات موسوم به فروغ جاویدان برای اعضای باقی مانده گذاشته بود علت شکست در عملیات را نه نظامی بلکه ایدئولوژیک تحلیل کرد! و گفت باید همسر و فرزند را طلاق داد تا بتوان با بیرون کردن عشق همسر و فرزند از عمق وجود و جایگزین نمودن مسعود و مریم جنگ صد برابر و سرنگونی محقق گردد. انقلاب مریم آغاز شده بود که اصل آن تحمیلی و شعارش پذیرش هژمونی مریم یا اخراج از سازمان بود. در گام بعد درب خروج هم گل گرفته شد تا توهم انتخاب آزاد از ذهن اعضا پاک شود.

دیگر خواب و خوراک، شب و روز لحظه مره زندگی افراد انقلاب مریم شده بود. توانمندی خلاقیت، استعداد و نقطه نظرفردی با پوش فردیت متعفن



وگندیده بایکوت شد و با گرفتن امضاخون و نفس که جان، وقت و انرژی اعضا را درحرم رهبری قرارمیداد ذهن و ضمیر آنها را به اسارت گرفته و بران غل و زنجیر زدند.

دیگر کلماتی مثل: چرا، چگونه، چطور، چه وقت، کجا و کی ممنوعه اعلام شد. سیاست مشت آهنین و زندان ابوغریب جای بحث و منطق و استدلال را گرفت اعضای معترض و خواهان جدایی به گرفتن سردوشی پاسدار رژیم و مزدور وزارت اطلاعات مفتخر شدند. چاپلوسی، تملق، دروغ، نیرنگ، فریب، جاسوسی و راپورت دادن دوستان بعنوان ارزش و شاخص انقلابی گری و بینه انقلاب مریمی معیار صلاحیت برای احراز رده، منصب و مقام قرار گرفت. به هریک از اعضا یک دفترچه سیمی کوچک داده شد تا لحظات خلوت خود را در آن بنویسند تا بدین وسیله اعماق ذهن اعضا کاوش و مانیتور گردد. فکر کردن به خاطرات گذشته ممنوع و بایگانی شد، عشق به خانواده جرم و کانون فساد لقب گرفت برغم ادعا و روشنفکری و ترقی نمایی ارتجاعی ترین مناسبات بخصوص در رابطه زنان با مردان شکل گرفت. محل اسکان، سالن غذا خوری و حتی پمپ بنزین ها جداسازی و رفتن یک نفره مردان به اتاق کار زنان ممنوع اعلام شد. دریک اقدام مضحک تمامی حیوانات به بهانه ترویج اشعه جیم و سوراخ کردن انقلاب مریم از سطح قرارگاهها جمع آوری شدند. استدلال تئورسین های مریم که ازبندهای انقلاب او عبور کرده بودند این بود که این حیوانات نرینه با برقراری رابطه ناشایست تناقضات جیم و استفراغ خشک شده را در ذهن زنان و مردان تداعی می کند. مناسبات فرقه این چنین شکل گرفت بعد از سرنگونی صدام و خلع سلاح اعضای فرقه رجوی ناپدید شد ولی همچنان با اهرم کنترل مخرب ذهن بر ماندن اعضا در عراق و اشرف اصرار کرد، سرنگونی صدام و متزلزل شدن انسجام تشکیلات فرصت را برای آن دسته از اعضا که توانسته بودند ذهنیت القاء شده از طرف رجوی را بشکنند فرصتی برای خروج بدست داد. خارج شدن از حصارهای ذهنی فرقه ای باعث شد که اعضا به ریکاوری و بازسازی خود بپردازند. با مطالعه کتاب های متخصصین امور فرقه ها برایشان محرز شد که مباحث موسوم به انقلاب مریم نه یک خلاقیت فردی وی بلکه اقتباس و کپی برداری ماهرانه از فرقه های معاصر بوده است. رجوی با تشکیل یک کمیته درپاریس تجارب فرقه های مختلف را جمع آوری و در تشکیلات نهادینه کرد.

اعضایی که توانستند از جهنم مناسبات رجوی جان سالم دربرند با مطالعه سرگذشت فرقه دریافتند که پدیده شوم و خطرناک درگسترده ترین و مخرب ترین آن یعنی کنترل ذهن جدی ترین تهدید جوامع بشری است. تجارب سالیان اعضای جدا شده حاکی از این است که سیستم رجوی از تمامی این تکنیک ها در درون تشکیلات درعراق و اروپا و آمریکا به شدیدترین و گسترده ترین شکل آن استفاده می کرده است.

اکنون سال 94 هستیم عده ای از این نسل بدلیل بیماریهای مختلف و عدم اجازه خروج آنها از سوی رجوی به خارج فوت کرده اند، تعدادی آزاد گشته و برای باسازی روحی و روانی و آزادی دیگر دوستان در بند فرقه تلاش می کنند و داستان این نسل همچنان باقی است این نسل اگرچه در هوس تمایلات قدرت طلبانه رجوی سوخت ولی خاکستر نشد.

علی اکرامی

باز هم دروغ های هزار بار نشخوار شده علیه جدا شده ها توسط رجوی ها

مرکز مازندران - دوشنبه ۶ مهر ۱۳۹۴



وقتی کفگیر تحلیل های رجوی های فریبکار به ته دیگ می خورد و مشخص می شود که خط و خطوط ترسیم شده از طرف وی همه اش سر کاری بوده به سراغ عناصر جدا شده آمده و آنان را مورد توهین قرار داده و اعلام می کند که مقصر اصلی پیش نرفتن خط و خطوط وی افراد جدا شده می باشند. وقتی در فضای مجازی و اینترنت به دنبال خواندن مطالب بودم مطلبی توجه ام را جلب کرد که متوجه شدم در مورد یکی از جدا شده های استان مازندران به نام هادی شبانی به تکرار اراجیف هزار باره

پرداخته و باز هم او را به الفاظ و ادبیات مختص و همیشگی تشکیلات رجوی ها به اصطلاح مزدور و شکنجه گر و تیر خلاص زن و نامیده است اگر کسی نداند فکر می کند که در ایران چه خبر است و هر روز زندانیان را شکنجه می کنند اگر این حرف رجوی ها درست باشد پس نامه دادن های زندانی به سایت های فرقه مانند ماسوری و ... را چه باید نامید . اگر این حرف درست باشد موضعگیری کردن زندانیان به قول دستگاه دروغ پرداز رجوی علیه سران حکومتی را چه باید نامید . در یک کلام همیشه رجوی های شکنجه گر وقتی در تحلیل هایشان با شکست مواجه می شوند باید بهای آنرا دیگران بپردازند و اکنون هم چه کسی بهتر از جدا شده از فرقه و کسانی که به افشای چهره پلید او کوتاه نیامدند.

یکی از اهداف فرقه ، برای لجن پراکنی علیه افراد جدا شده این خط را برای اعضای خود رسم می کند که اگر کسی از تشکیلاتش بیرون برود شکنجه گر و مزدور خواهد شد و از طرف دیگر سعی دارد شخصیت فرد جدا شده را در درون مناسبات خراب کند در حالی که افراد درون مناسبات خود بهتر می دانند که تا وقتی فرد در مناسبات بوده انقلابی و ... بوده و چرا بعد از جدا شدن یک شبه به اصطلاح مزدور می شود. سران فرقه با این شیوه و زدن انگ به نفرت جدا شده سعی دارند خودشان را میرا از هر گناهی بدانند و واقعیت های درون مناسبات را مخفی کنند تا کسی مطرح نکند که در سالهای گذشته چرا افراد به جرم نفوذی بودن باید شکنجه و یا کشته می شدند این شیوه نمی تواند انگیزه افراد را برای جدا شدن از تشکیلات کم کند و هر چقدر هم که رجوی این گونه روی افراد جدا شده به لجن پراکنی بپردازد ماهیت وی بیشتر رو می شود که به اصطلاح سازمانی که این گونه به گذشته خیانت بار خود می نازد در مقابل نوشتن یک مقاله توسط یک فرد این گونه سرتاپای تشکیلاتش دچار رعشه می شود بهتر است به فکر خودتان و تشکیلات پوسیده تان باشید. توهین علیه افراد و ناسزا گفتن سالهاست که این شیوه سوخته است و دیگر مصرف بیرونی ندارد.

البته این توهین و ناسزا گفتن علیه افراد جدا شده توسط رجوی های تروریست یک نقطه مثبت دارد که اراده افراد جدا شده را برای افشای ماهیت پلید رجوی ها بیشتر می کند و ترس سران فرقه هم از همین مسئله است حال هر چقدر می خواهند من و دوستانم را به اصطلاح مزدور و شکنجه گر بنامند.

با آمدن ما و افشای ماهیت پلید رجوی ها نزد خانواده ها دیگر کسی شما جانپان به این ملت را به حساب نمی آورد و از نظر آنان دیگر شما در زباله دان تاریخ قرار دارید .

عبدالله افغان

آزادی از لیبرتی و دیدار با مادر باعث بازگشت به وطن شد



مرکز البرز - یکشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۴

تبریک و تهنیت به مادر و خانواده گرامی ابراهیمی برای به آغوش کشیدن فرزندشان در خانه.

چندی قبل عزیزمان، فریدون ابراهیمی از لیبرتی آزاد و به کشور ترکیه عزیمت سپس با برقراری ارتباط تلفنی با خانواده موفق به دیدار مادر و دیگر برادر و خواهرها در کشور ترکیه میشود و بعد از بازگشت خانواده به ایران، وی به کشور آلمان مسافرت مینماید اما دیگر راضی به انتظارهای طولانی مادر نمیشود و به میهن گرامی و کرج برمیگردد و در حال حاضر در منزل پدری اش همراه مادرش که سالیان سال انتظار کشیده و بارها به اشرف مراجعه کرده بود زندگی مینماید و خشنودی مادرش را به تمامی اهداف خود ترجیح داد دل او را شاد کرد.

باشد که تمامی دلها شاد گردد.

جزئیات جلسه مخفی احمد شهید با رابط عربستان و مجاهدین در هتل رویال



نمایی از هتل رویال

خبرگزاری فارس - یکشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۴

به گزارش گروه فضای مجازی خبرگزاری فارس به نقل از دیده‌بان، حوادث اخیر مکه و اقدامات سعودی‌ها نشان داد که علاوه بر بی‌لیاقتی آل سعود در برگزاری حادثه حج، کینه و هابیت نسبت به جریان تشیع و قربانی کردن زائرین ایرانی تا چه حدی رو به شنائت و اقدامات غیر انسانی می‌تواند ظاهر شود.

از منظر دیگر، سکوت و سانسور مرگبار رسانه‌ها و عوامل مدعی

حقوق بشر فعال در حوزه هجمه به ایران، نکته حائز اهمیتی است که به ریشه‌های ارتباطی آنها با آل سعود برمی‌گردد. این عوامل همان‌هایی هستند که به بهانه‌های همچون آسیب به محیط زیست و حیوانات نمایش‌های خیابانی به راه می‌اندازند، ولی برای قربانی شدن زائران خانه خدا قدمی از قدم بر نمی‌دارند و دلارهای سعودی مقابل دید آنها را گرفته است.

بازی سعودی‌ها با جریان مربوط به هجمه حقوق بشری علیه ایران به قدری قابل توجه است که نمودهای آن طی سالهای اخیر به وفور دیده شده است.

در این گزارش سعی شده است تا به بخشی از ارتباط پنهانی و جلسات رابطین سعودی با عوامل فعال در حوزه هجمه حقوق بشری علیه ایران اشاره شود.

گفتنی است احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص نقض حقوق بشر در ایران، چندی پیش در خیابان LAUSANNE مقابل ایستگاه راه آهن شهر ژنو، در ساعت ۲۰:۴۵ با لباس مبدل (سویی شرت سبز و شلوار کتان) وارد لابی هتل رویال در همان خیابان گردد.

رابط سعودی فعال در حوزه یمن و بحرین که به انتظار احمد شهید نشسته بود در لابی هتل رویال از وی استقبال کرد و منتظر شدند تا مهمانان دیگر این جلسه مخفی حاضر شوند.



عامل سعودی (سمت راست)

پادوهای نماینده مجلس بحرین حامی منافقین (سمت چپ)

اما مهمانان دیگر این جلسه عوامل منافقین و جمال بو حسن، نماینده پارلمان بحرین (حامی منافقین) بودند که در رستوران تایلندی جنب هتل رویال در همان ساعت مشغول صرف شام بودند تا پس از آن به جمع عوامل سعودی با احمد شهید بپیوندند.



رستوران تایلندی کاردینال (جنب هتل رویال)



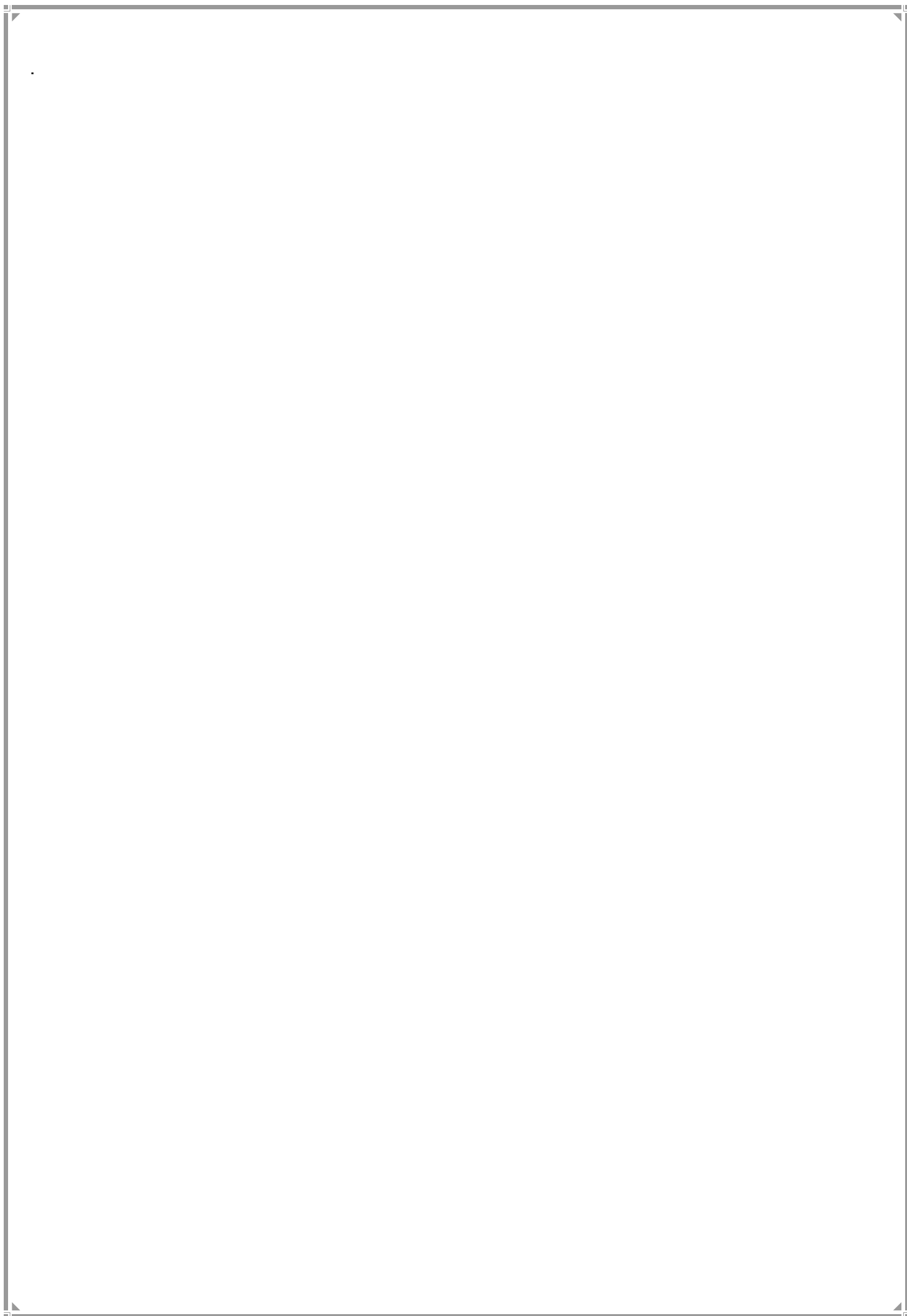
جمال بو حسن در پالمان بحرین



چهره جمال بو حسن نماینده پارلمان بحرین
در دیدار با شهید (حامی نفاق)

گفتنی است تیم منافقین بر خلاف روال همیشگی که روزانه پس از نشست‌های سازمان ملل به فرانسه بر می‌گردند، در رستوران تایلندی کاردینال جنب هتل رویال به همراه جمال بو حسن، نماینده پارلمان بحرین و عناصر همچون مقصودی (رابط منافقین و شبکه من و تو) مشغول صرف شام بودند که بعد از آن به جمع احمد شهید و رابط سعودی اضافه شدند.

تأثیرات منطقه‌ای مذاکرات هسته‌ای، تعامل عوامل سعودی با جریان ضد انقلاب را تا این حد افزایش داده است که گزارشگر ویژه سازمان ملل؛ که چندی پیش خبر دریافت رشوه اش از عوامل سعودی در سایت ویکی لیکس منتشر شد؛ در حاشیه نشست شورای حقوق بشر این سازمان به لابی یک هتل کشانده و دستوراتی را به وی با ارائه رشوه گوشزد کردند.





E.MAIL:info@nejatngo.org

WWW.NEJATNGO.ORG

تلفن : 021-88961031

فکس : 021-88965218

صندوق پستی : 14145/119